خبر

راه دشوار محسن چاوشی شدن

محسن چاوشی خواننده است؟ پس چرا در تنظیم این‌چنین متفاوت عمل می‌کند؟ نکند آهنگساز است؟ پس چرا ترانه بعضی از آثارش را خودش می‌نویسد؟ شاید شاعر است؟ نوازنده چطور؟

محسن چاوشی ترکیبی از همه این‌هاست؛ هنرمندی که مسیر خودش را در موسیقی پیدا کرده و عنوان‌های رایج به‌تنهایی او را توضیح نمی‌دهند.وقتی با اعتبارش زمینه آزادی شمار زیادی از زندانیان جرایم غیرعمد و نقدی را فراهم می‌کند، یا در درمان کودکان مبتلا به بیماری‌های خاص مشارکت دارد، تصویر او فقط در قالب یک خواننده یا ترانه‌سرا نمی‌گنجد؛ بلکه از مسئولیت‌پذیری اجتماعی‌اش خبر می‌دهد.چاوشی در بیان باورها و دغدغه‌هایش نیز مسیری شخصی دارد؛ چه زمانی که به مضامین مذهبی پرداخته و چه وقتی از انسان، تنهایی یا وطن خوانده است. صدای او برای بسیاری یادآور نوعی صراحت و حس‌گرایی در موسیقی فارسی است.این تنوع در انتخاب موضوع‌ها و پایبندی به سبک خاص خودش، دلیلی است که نام محسن چاوشی پس از سال‌ها همچنان در فضای موسیقی ایران پررنگ مانده است.در دوره‌هایی که بیان باورهای مذهبی برای بسیاری از هنرمندان آسان نبود، او بی‌واسطه از احساس و اعتقاد خودش خواند. در آثاری مثل آنچه در روز عاشورا منتشر کرد، تلاش کرد در ادامه مسیر شخصی‌اش، پیوندی میان موسیقی و باور ایجاد کند.در روزهای سخت و پرالتهاب کشور، بعضی از آثار او برای مخاطبان حال‌وهوای امید و تسکین داشتند و یادآوری می‌کردند که موسیقی می‌تواند پناه باشد. هویت ایرانی در آثارش دیده می‌شود؛ چه وقتی از خلیج فارس می‌خواند، چه وقتی از امیرالمؤمنین، و چه زمانی که رو به مسائل اجتماعی و انسانی می‌آورد. در کنار این‌ها، ارتباط نزدیکش با احساسات و تنهایی مخاطب، بخش مهمی از ماندگاری‌اش را ساخته است.بیش از بیست سال فعالیت حرفه‌ای باعث نشده استانداردهایش افت کند و همچنان صدایش برای بخش بزرگی از مخاطبان موسیقی جذاب است. محسن چاوشی بودن، نوعی مسیر شخصی است؛ ترکیبی از حرفه‌ای‌بودن، توجه اجتماعی و نگاه خاص به موسیقی. همین ویژگی‌هاست که او را به چهره‌ای تأثیرگذار در موسیقی امروز ایران تبدیل کرده؛ مسیری که ساده به دست نیامده است.

هنرمندان به سراغ آسیب‌دیدگان جنگ رفتند

هنرمندان سینما، تاتر و موسیقی در یک برنامه مشترک به دیدار کودکان و خانواده‌های آسیب دیده از جنگ تهران رفتند.

اولین شب از مجموعه برنامه های «دل ایران» با همکاری خانه سینما، خانه تاتر ، خانه موسیقی با حضور کودکان و خانواده‌های آسیب دیده جنگ اخیر، شامگاه ۲۹ فروردین در یکی از سالن‌های تهران برگزار شد. این برنامه شامل اجرای تاتر عروسکی، خیمه شب بازی، استندآپ کمدی، اجرای موسیقی بود و همچنین کودکان و هنرمندان یک پازل بزرگ با نماد ایران (کاری از آوا پیک تحریر ؛ مجید اکبری) و به یاد کودکان شهید میناب را تکمیل و چیدمان کردند. در این برنامه سه نمایش عروسکی توسط انجمن نمایشگران عروسکی و هنرمندان انجمن کودک و نوجوان خانه تاتر، خیمه شب بازی توسط خانه موزه خیمه شب بازی ایران به سرپرستی ستاره اسکندری اجرا شد. در بخش موسیقی گروه موسیقی دی بند و گروه آذری وحید اسداللهی قطعاتی را اجرا کردند و فضای شاد و متفاوتی را برای مهمانان به ارمغان آوردند. علاوه بر اجرای نمایش و موسیقی هنرمندان و چهره‌های فرهنگی بسیاری در این مراسم حضور داشتند و ضمن اهدا گل به کودکان آسیب دیده و خانواده ها با آنها صمیمانه گفتگو کردند. طبق اعلام روابط عمومی خانه سینما، کودکان نیز استقبال خوبی از این مراسم که بیش از ۵ ساعت به طول انجامید داشتند و با هنرمندان و عروسک‌ها، عکس‌های یادگاری گرفتند و امید را در دل آنها زنده کردند. در انتهای این مراسم که با جمع خوانی سرود «ای ایران» همراه بود ، علیرضا شجاع نوری از اعضاء ستاد همراهی خانه سینما طی سخنان کوتاهی گفت: ترامپ احمق هر غلطی که دلش می خواست کرد. او خطاب به حاضران ادامه داد: من که امشب در کنار شما هستم ، یکی از بهترین خاطرات عمرم برایم رقم خورد. شجاع نوری گفت: با کمک هم این ایران زیبا را زیباتر می کنیم و می سازیم. به کوری چشم هر کسی که نمی تواند، ببیند. لازم به ذکر است، اجرای این برنامه بر عهده ستاد همیاری خانه سینما (با مسئولیت آناهید آباد) بوده و قرار است ادامه داشته باشد. در این مراسم هنرمندانی چون حسین پاکدل، علیرضا شجاع نوری، عاطفه رضوی، هادی حجازی فر، علیرضا کمالی، علیرضا حسینی، شبنم مقدمی، گلاره عباسی، شکیب شجره، علی اوسیوند، علی نیک رفتار، محمد فوقانی، فرزین محدث، مونا زندی، کاظم هژیرآزاد، وحید آقاپور، علی روئین تن، محمد لقمانیان، روح الله حجازی، سجاد افشاریان، آناهید آباد، مریم هژیروند، محمد فرشته نژاد، نازنین صلح جو، کاظم هژیرآزاد، علیرضا نجف زاده ، همایون اسعدیان مدیرعامل خانه سینما، حمیدرضا نوربخش مدیرعامل خانه موسیقی، علیرضا گیله وری مدیرعامل خانه تاتر ، علیرضا تابش مدیرعامل هلدینگ گردشگری تامین اجتماعی (هکتا)، علیرضا طاهریان معاون اجرایی گروه هتل‌های هما و ... حضور داشتند.

ضرورت رسیدگی به خواسته‌های ناشران و کتاب‌فروشان آسیب‌دیده

وقتی زینک جای شیشه را می‌گیرد

دفاتر و فروشگاه‌های ناشران و کتاب‌فروشان در روزهای جنگ تحمیلی سوم آسیب دید، آنها از زینک برای پوشاندن فضای خالی پنجره، جای شیشه استفاده می‌کنند، ضروری به نظر می‌رسد که با برنامه‌ریزی دقیق به خواسته‌های این صنف فرهنگ‌ساز رسیدگی شود.

به گزارش ایرنا، دفاتر نشر و کتاب‌فروشی‌های متعددی در شهرهای مختلف در طول جنگ تحمیلی سوم آسیب دیدند، یکی از نقاط مهم تخریب شده در تهران، راسته انقلاب و خیابان‌های پایینی آن به دید نزدیک بودن به یکی از اهداف دشمن بود. دفاتر نزدیک‌تر به محل اصابت با تخریب بیشتری مواجه هستند، دیوارها ترک برداشته و درها از قاب کنده شده است. هرچه به سمت شرق می‌رویم آسیب کمتر می‌شود اما تا ۲ خیابان شیشه‌های بسیاری از دفاتر شکسته است. هرچند دفاتر و فروشگاه‌های آنها هدف مستقیم موشک‌های آمریکایی و اسرائیلی قرار نگرفت، اما موج انفجار به کتاب‌فروشی‌ها و دفاتر نشر آسیب زد. در میانه جنگ و حتی بعد از آن، فرصتی برای همراهی با این صنف پیدا نشده است و ناشران با هر آنچه در دفاتر خود داشتند تلاش کردند تا جای ویرانی‌ها را بپوشانند، امنیت دفاتر خود را حفظ و برای از سرگیری فعالیت تلاش کنند. ورقه‌های زینک یکی از راه‌های چاره این گروه فرهنگی بود. این روزها، زمان بیشتری از حادثه گذشته است و ناشران در تلاش برای بازگشت به فعالیت هستند. آنها با هر آنچه در دفتر نشر پیدا می‌شود، برای خود امنیت می‌سازند. ورقه‌های زینک فکر خوبی برای جایگزینی شیشه‌های شکسته است. این رفتاری است که در هر جنگ از مردم سر می‌زند، وقتی آرد گندم کم می‌شود، مردم از دیگر غلات مانند جو و ذرت برای تهیه نان استفاده می‌کنند یا بیشتر از گذشته از سیب‌زمینی را مصرف می‌کنند، اگر سوخت کم شود، مردم از نانواها کمک می‌گیرند و با گرمای بعد از پخت تنور، غذای خود را می‌پزند. وقتی سوخت کم باشد، مردم بیش از گذشته از وسایل نقلیه عمومی استفاده می‌کنند. مردم همواره راهی برای ادامه زندگی پیدا کردند و این رفتار هنوز هم جاری است. یکی از ناشران که نزدیک خیابان انقلاب کتاب‌فروشی دارد، زینک‌ها را برداشته و جای آنها شیشه نصب کرده است. او که دائم سرفه می‌کند، می‌گوید: «سال‌ها در چاپخانه کار کردم و ریه‌هایم آسیب دیده و امروز تحمل این حجم از خاک و غبار برایم دشوار است. در اثر انفجار کل شیشه‌های مغازه ریخت، کرکره از جایش جدا شد و درها از قاب بیرون آمد. فقط ۱۱ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان برای شیشه‌ها هزینه کردم.» این فروشگاه با مرکز انفجار ۲ خیابان فاصله دارد و برای همین کمتر آسیب دیده است. مدیرکتاب‌فروشی قفسه‌هایی را که روی هم افتاده‌اند، بلند کرده، کتاب‌ها را دستمال کشیده و فروشگاه را منظم کرده است.

حدود یک میلیارد و ۲۰۰ هزار تومان کتاب از بین رفت

دو کوچه نظری و شهدای ژاندارمری از موشکی که در نزدیکی میدان انقلاب اصابت کرد، بیش از سایر نقاط آسیب دیدند. ابتدای هر دو کوچه پاساژهایی وجود دارد که در آنها کتاب‌فروشی‌های متعددی، آثار دست دوم و نایاب را می‌فروشند. در داخل این مرکز خرید امنیت بیشتر از کوچه‌ها است، برای همین کتاب‌فروشی‌ها با نایلون ویترین شکسته خود را پوشانده‌اند. یک کتاب‌فروش در طبقه دوم مشغول دستمال کشیدن کتاب‌هایش است، می‌گوید: «برای ضرری که به کتاب‌فروشی وارد شد، ناراحت نیستم؛ فقط دلم برای دختری می‌سوزد که روبه‌روی فلافل‌فروش، عطر می‌فروخت. موشک حدود ساعت ۱۷:۱۵ اصابت کرد و براثر ضربه فلزاتی که پرتاب شده بودند، آن دختر جان خود را از دست داد. این کتاب‌فروش از حدود هفت سال قبل در این مرکز خرید فعال است، کتاب‌فروشی را ۲ نفری اجاره کرده بودند و ماهی ۱۶ میلیون تومان اجاره پرداخت می‌کردند، بعد از انفجار همکارش کتاب‌هایش را جمع کرده و گفته جای دیگری به فعالیتش ادامه خواهد داد، همچنین صاحب این فروشگاه می‌خواهد اجاره را بالا ببرد. کتاب‌فروش که اجاره فروردین و اسفند را نتوانسته پرداخت کند، می‌گوید:«وقتی به فروشگاه آمدم، همه کتاب‌ها روی هم ریخته بود، قفسه‌ها شکسته بودند و می‌توان گفت حدود یک میلیارد و ۲۰۰ هزار تومان کتاب از بین رفت، در میان آنها یک دوره شاهنامه از بین رفت که دیگر آن را پیدا نمی‌کنم.» لرزه بعد از انفجار بیشتر از موج آن به این مرکز خرید آسیب وارد کرده است، فروشگاه‌هایی که روی ستون بودند، کمتر از دیگر مغازه‌ها آسیب دیدند، به همین دلیل سه فروشگاه به شکل کامل تخلیه کردند و از مرکز خرید رفتند. یک کتاب‌فروش که ویترینش کامل شکسته و خرد شده است، درباره قیمت آن گفت: «شیشه برای در و ویترین حدود ۲۵ میلیون تومان است، نیسان پنج میلیون تومان می‌گیرد تا شیشه را از کارخانه به اینجا بیاورد و این پایان ماجرا نیست، کارگر برای بالا آوردن شیشه بزرگ هفت میلیون تومان دستمزد می‌خواهد و بعد از آن هم باید هزینه‌های نصب شیشه را محاسبه کرد.»

هنوز راهروهای پاساژ پر از خاک و خرده شیشه‌است

مرکز خرید نادر از شنبه ۲۲ فروردین شروع به کار کرده است، تا آن روز کرکره‌اش پایین بود و کسی حق ورود به آن را نداشت. به همین دلیل هنوز راهروهای پاساژ پر از خاک و خرده شیشه است و برخی کتاب‌فروشان، مغازه خود را بازدید نکردند. یکی از کتاب‌فروشانی که در شیشه‌ای‌اش شکسته و برای آن شیشه سفارش داده است، می‌گوید: «برای ثبت خسارات به اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان رفتم و فرمی پُر کردم تا آن را به اتاق اصناف بفرستند، اما هنوز هیچ خبری به من نرسیده است. شیشه مغازه را ۱۹ میلیون تومان خریدم و هر فروشگاه سه میلیون برای تعویض کرکره هزینه دادیم. نگهبان مرکز خرید در ساعتی که موشک اصابت کرد در زیرزمین خوابیده بوده و برای همین به او آسیبی وارد نشده است، اما بعد از آن ترسیده و برای همیشه خداحافظی کرد به شهرستان محل زندگی‌اش بازگشته است.

ناشران و کتاب‌فروشان سود تجاری را در فعالیت خود نادیده می‌گیرند

پس از مرکز خرید نادر، در کوچه نظری ساختمان‌ها آسیب زیادی دیدند، در هر کدام چند ناشر و چند نفر مشغول به کارهای مختلف بودند. همه آنها این روزها خالی هستند. حتی در خیابان کارگر جنوبی، روبه‌روی خیابان ژاندارمری چند مجتمع ساختمانی هستند که آسیب دیدند، در آنها هم ناشران و کتاب‌فروشی‌هایی فعال بود و آسیب دیدند. ناشران و کتاب‌فروشان فعالان فرهنگی هستند که خوراک فکری مردم را تامین می‌کنند، آنها سود تجاری را در فعالیت خود نادیده می‌گیرند، بارها ثابت شده است که اگر ناشران دفاتر خود را اجاره بدهند یا اگر کتاب‌فروشان در فروشگاه خود هر کاری جز فروش کتاب را انجام بدهند، درآمد و سود بالاتری خواهند داشت. در این روزهای سخت این صنف با مشکلات متعددی مواجه هستند، ضروری به نظر می‌رسد که هرچه سریع‌تر دولت و به خصوص وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای همیاری به این گروه اقدام کنند تا با پشت سر گذاشتن این روزها بتوانند برای آینده ایران فرهنگ‌سازی کنند.

انتشار فراخوان مسابقه فیلمنامه‌نویسی مدرسه‌ای که می‌رفتم

فراخوان مسابقه فیلمنامه‌نویسی «مدرسه‌ای که می‌رفتم» به‌منظور گرامیداشت شهدای دانش‌آموز جنگ رمضان منتشر شد.

فراخوان مسابقه فیلمنامه‌نویسی «مدرسه‌ای که می‌رفتم» شامل طرح‌هایی «درباره کودکان» یا «برای کودکان» می‌شود که با موضوع دانش‌آموزان شهید و مظلوم جنگ رمضان به‌ویژه دانش‌آموزان شهید میناب، به نگارش در می‌آید. ارسال طرح‌ها برای شرکت در مسابقه به مدت یک ماه تا ۳۱ اردیبهشت خواهد بود. به همین منظور، بنیاد سینمایی فارابی از اهالی سینما و عموم متخصصان که به‌صورت حرفه‌ای در زمینه فیلمنامه‌نویسی فعالیت می‌کنند، دعوت می‌کند تا طرح‌های خود را برای بررسی جهت شرکت در مسابقه، در سامانه خانه فیلمنامه بنیاد فارابی به نشانی SCRIPT.FCF.IR ثبت کنند. طرح‌های رسیده در فرایندهای مختلف که در فراخوان به تفصیل اشاره شده است، بررسی و در نهایت آثار برگزیده توسط فیلمسازان یا فیلمنامه‌نویسان برجسته انتخاب می‌شود. همچنین جوایزی در قالب قرارداد خرید رایت فیلمنامه به برگزیدگان اعطا خواهد شد. شرکت در مسابقه تنها از طریق تکمیل فرم ثبت‌نام و ارسال آثار به سامانه خانه فیلمنامه امکان‌پذیر است.

متن کامل فراخوان به شرح زیر است:

فراخوان مسابقه فیلمنامه‌نویسی «مدرسه‌ای که می‌رفتم»
گرامیداشت شهدای دانش‌آموز مدرسه شجره طیبه میناب

بنیاد سینمایی فارابی به عنوان نهاد ملی سینمای ایران، مسابقه فیلمنامه‌نویسی «مدرسه‌ای که می‌رفتم» را در گرامیداشت شهدای دانش‌آموز جنگ رمضان و دانش‌آموزانی که در تجاوز آمریکایی‌صهیونی به مدرسه شجره طیبه میناب به شهادت رسیدند، برگزار می‌کند. لذا از اهالی محترم سینما و عموم متخصصان که به‌صورت حرفه‌ای در زمینه فیلمنامه‌نویسی فعالیت می‌کنند، دعوت می‌شود تا طرح‌های خود را برای بررسی جهت شرکت در مسابقه و (احتمالاً) مشارکت در ساخت فیلم سینمایی بلند در سامانه خانه فیلمنامه بنیاد سینمایی فارابی ثبت کنند.

موضوع مسابقه

نگارش فیلمنامه بلند سینمایی براساس مندرجات این فراخوان با موضوع تجاوز آمریکایی‌صهیونی به مدرسه شجره طیبه میناب.
تبصره: طرح‌ها می‌تواند «درباره کودکان» یا «برای کودکان» به نگارش درآمده باشد.

فرآیند برگزاری مسابقه

فرآیند برگزاری مسابقه به این صورت خواهد بود که:
۱–متقاضیان در مهلت مقرر، طرح‌های خود را در سامانه خانه فیلمنامه ثبت‌می‌کنند.
۲– طرح‌ها توسط هیأت انتخاب که متشکل از کارشناسان بنیاد سینمایی فارابی است، براساس معیارهای امتیازدهی مندرج در این فراخوان بررسی شده و طرح‌هایی که بتوانند بیش از ۵۰ امتیاز را کسب کنند، به مرحله بعدی راه خواهند یافت.
۳– جلسه پیچینگ طرح‌ها با حضور کارشناسان فیلمنامه و فیلم‌سازی به عنوان منتور نگارش طرح تفصیلی(تریتمنت) برگزار می‌شود. حداکثر ۲۰ طرح توسط داوران پیچینگ به منظور نگارش طرح تفصیلی انتخاب خواهند شد. هر منتور هدایت نگارش حداکثر ۴ طرح تفصیلی را بر عهده می‌گیرد تا در بازه‌ای حداکثر یک ماهه، طرح‌ها به طرح تفصیلی تبدیل شوند.
۴– با پایان مهلت یک ماهه برای نگارش طرح تفصیلی، جلسه پیچینگ با حضور منتورها برگزار و از میان حداکثر ۲۰ طرح ارایه شده، تا ۵ طرح تفصیلی برای ورود به مرحله نگارش فیلمنامه انتخاب خواهد شد. هر منتور هدایت نگارش یک فیلمنامه را بر عهده می‌گیرد تا در بازه‌ای دو ماهه، طرح‌های تفصیلی به فیلمنامه تبدیل شوند.
۵– در نهایت، جلسه پیچینگ فیلمنامه‌ها با حضور هیأت داوران که از فیلمسازان یا فیلمنامه‌نویسان برجسته هستند، برگزار و ۵ فیلمنامه برگزیده معرفی می‌شود. همچنین جوایز که در قالب قرارداد خرید رایت فیلمنامه منعقد می‌شود، اعطا خواهد شد.

گاه‌شمار مسابقه

مهلت ارسال طرح‌ها: از ساعت ۱۰ صبح ۳۱ فروردین به مدت یک ماه
اعلام اسامی طرح‌های منتخب: خرداد ۱۴۰۵
برگزاری جلسه پیچینگ طرح‌ها: خرداد ۱۴۰۵
نگارش طرح تفصیلی (تریتمنت) زیر نظر منتورها: تیر ۱۴۰۵
برگزاری جلسه پیچینگ طرح‌های تفصیلی (تریتمنت): تیر ۱۴۰۵
نگارش فیلمنامه‌های منتخب پیچینگ: مرداد و شهریور ۱۴۰۵
برگزاری جلسه پیچینگ نهایی با حضور داوران برای انتخاب برترین فیلمنامه‌ها به منظور ساخت فیلم: شهریور ۱۴۰۵

معیارهای امتیازدهی
گیرایی قصه و ایده: ۱۰ امتیاز
شخصیت‌پردازی: ۲۰ امتیاز
مضمون: ۲۰ امتیاز
ساختار روایی و پیرنگ شامل انسجام علت و معلولی (۱۰ امتیاز)، نقاط عطف (۱۰ امتیاز)، تعلیق مناسب (۱۰ امتیاز)، گره‌افکنی و گره‌گشایی (۱۰ امتیاز)، آغاز و پایان مناسب (۱۰ امتیاز): مجموعاً ۵۰ امتیاز

جوایز مسابقه

به ۳ فیلمنامه منتخب بنا به تشخیص هیأت داوران، به ترتیب نفر اول ۷۵۰ میلیون تومان، نفر دوم ۵۰۰ میلیون تومان و نفر سوم ۲۵۰ میلیون تومان جایزه نقدی در قالب خرید رایت فیلمنامه یا برای نگارش فیلمنامه تعلق خواهد گرفت. به منتخبان پیچینگ طرح‌های تفصیلی، گواهی شرکت و ۵۰ میلیون تومان جایزه نقدی اهدا خواهد شد.

هیأت انتخاب و داوری

هیأت انتخاب و کارشناسی: کارشناسان بنیاد سینمایی فارابی
منتورهای انتخاب و نگارش طرح تفصیلی و فیلمنامه: فیلمسازان یا فیلمنامه‌نویسان برجسته که اسامی آنان متعاقباً اعلام خواهد شد
هیأت داوران: فیلمسازان یا فیلمنامه‌نویسان برجسته که اسامی آنان متعاقباً اعلام خواهد شد.

شرایط شرکت در مسابقه

شرکت در مسابقه تنها از طریق تکمیل فرم ثبت‌نام و ارسال آثار به سامانه خانه فیلمنامه به آدرس SCRIPT.FCF.IR امکان‌پذیر است.
طرح‌های ارسالی باید با فونت B Nazanin با اندازه ۱۴ تنظیم شده و در قالب فایل WORD یا PDF به میزان ۳ تا ۵ صفحه A4 با فاصله سطر ۱،۱۵ ارسال شوند. (طرح‌هایی که تعداد صفحات آن کمتر یا بیشتر از محدوده تعیین شده باشند، از مسابقه حذف می‌شوند)
نام کامل نویسنده، موضوع طرح و شماره تماس باید در فرم مورد نظر درج شود.
هر شخص حقیقی فقط می‌تواند یک طرح جهت شرکت در مسابقه ارسال کند.
از طرح‌های ارسالی تاکنون نباید فیلمی با داستان مشابه ساخته شده باشد. چنانچه خلاف این موضوع برای برگزارکننده محرز شود، در هر مرحله، آن طرح از مسابقه کنار گذاشته خواهد شد.
فردی که فرم ثبت نام مسابقه را تکمیل و ارسال می‌کند به عنوان صاحب اثر شناخته می‌شود.
طرح‌های ارسالی باید در بانک فیلمنامه خانه سینما ثبت شده باشند و همراه با شماره و تاریخ ثبت ارایه شوند.
مسئولیت پاسخگویی به هر گونه ادعای افراد حقیقی یا حقوقی در زمینه مالکیت اثر ارائه شده، بر عهده ارسال کننده آن است و برگزارکننده هیچ‌گونه مسئولیتی در این خصوص نخواهد داشت.
تکمیل و ارسال فرم تقاضای شرکت در مسابقه، به معنای قبول تمام مقررات است و تصمیم نهایی در مورد نکاتی که در مقررات پیش‌بینی نشده باشد، بر عهده برگزارکننده خواهد بود.
برگزارکننده تعهدی برای ساخت هیچ یک از آثاری که در مسابقه شرکت کرده یا در آن برگزیده می‌شود، ندارد.

خبر

فرشته‌های میناب تلفیقی از موسیقی پاپ و سنتی است

آهنگساز کشورمان با بیان اینکه برای ارتباط مؤثرتر با نسل‌های جدید، باید از ظرفیت‌های موسیقی پاپ نیز بهره گرفت، گفت: در آلبوم «فرشته‌های میناب» و «اینجا ایران است» تلاش کردیم تلفیقی از موسیقی پاپ و سنتی ارائه دهیم تا هم برای جوانان و هم برای مخاطبان علاقه‌مند به موسیقی اصیل ایرانی شنیدنی باشد.

حسام کلاته در گفت‌وگو با ایمنا، با اشاره به روند شکل‌گیری آلبوم موسیقی «فرشته‌های میناب» اظهار کرد: در جریان ساخت قطعات این آلبوم، حس خاصی را تجربه کردم و با توجه به ماهیت موسیقی حماسی، مسئولیت سنگینی بر دوش خود احساس می‌کردم، چراکه تولید این نوع آثار نیازمند ذهنیت و رویکردی ویژه است و پیش از این تجربه چندانی در این حوزه نداشتم. او افزود: آغاز این پروژه به پیش از رخدادهای اخیر و جنگ تحمیلی بازمی‌گردد و از ابتدا نیز با هدف آماده‌سازی برای مناسبت‌هایی همچون ۲۲ بهمن شکل گرفت. حتی یک تا دو ماه پیش از این مناسبت، مراحل اولیه از جمله ساخت ماکت‌ها انجام شده و روند تولید آثار بر اساس همان ماکت‌ها دنبال شد.

این آهنگساز تصریح کرد: از اینکه امروز این آلبوم مورد توجه مردم قرار گرفته و در سطح شهر پخش می‌شود، احساس غرور دارم و از این بابت خداوند را شاکر هستم. کلاته درباره انتخاب خوانندگان این مجموعه عنوان کرد: بخشی از خوانندگان از ابتدا مشخص بودند و برخی دیگر از سوی نهادهای فرهنگی معرفی شدند، همچنین در ادامه مسیر نیز تعدادی از خوانندگان برای اجرای قطعات اعلام آمادگی کردند. او در ادامه با اشاره به قطعات این آلبوم عنوان کرد: در مجموع همه قطعات را دوست دارم، اما به‌طور طبیعی با بعضی آثار ارتباط بیشتری برقرار کرده‌ام. از جمله قطعاتی که برایم شاخص‌تر بود، آثار اجراشده توسط برخی خوانندگان از جمله «علی رها» بود که به‌دلیل جنس صدا و حس اجرا، برایم قابل توجه‌تر بود. این آهنگساز افزود: بعضی دیگر از قطعات، به‌ویژه آثاری با مضامین ملی و مذهبی، از نظر ساختار و بخش‌های اوج موسیقایی، تأثیرگذاری ویژه‌ای داشتند و از نظر احساسی برایم برجسته بودند. کلاته در ادامه به علایق شخصی خود در حوزه موسیقی اشاره کرد و گفت: در کنار این آلبوم، به موسیقی رپ نیز علاقه‌مند هستم و برخی آثار حماسی در این سبک را دنبال می‌کنم که در میان آن‌ها، برخی هنرمندان با رویکرد ملی آثار قابل توجهی ارائه داده‌اند. او با تأکید بر جایگاه آثار ماندگار در موسیقی ایرانی خاطرنشان کرد: در فضای موسیقی کشور، آثار میهنی شاخص و ماندگاری وجود دارد که مردم با آنها خاطره دارند و همین موضوع نشان‌دهنده ظرفیت بالای موسیقی در انتقال مفاهیم ملی است. این ترانه‌سرا و آهنگساز در پاسخ به این پرسش که تا چه اندازه در تولید این آثار به ماندگاری آنها توجه داشته است، بیان کرد: از آنجا که علاقه عمیقی به کشورم دارم، هنگام ساخت موسیقی بیش از هر چیز به احساسات درونی خود تکیه می‌کنم و تلاش دارم تجربه‌های شخصی‌ام از شادی‌ها و سختی‌ها را در قالب موسیقی به مخاطب منتقل کنم.

کلاته ادامه داد: در فرایند تولید آثار، الگوی مشخصی را مدنظر قرار ندادم و بیشتر تلاش کردم حال و هوای درونی و تجربه زیسته خود را به زبان موسیقی تبدیل کنم. او با اشاره به فضای کلی این آثار عنوان کرد: با وجود تلخی برخی رخدادها، نگاه من در تولید این قطعات به‌طور عمده مثبت بوده است و معتقدم همین ترکیب از احساسات مختلف می‌تواند به تأثیرگذاری و ماندگاری آثار کمک کند. این ترانه‌سرا و آهنگساز در ادامه با اشاره به شرایط شکل‌گیری ظرفیت‌های ملی اظهار کرد: همان‌گونه که الماس در بالاترین درجات فشار و حرارت شکل می‌گیرد، فشارهایی که امروز جامعه با آن روبه‌رو است نیز به‌تدریج موجب شکل‌گیری ظرفیت‌های ارزشمند در کشور و میان مردم خواهد شد. کلاته با تأکید بر نقش نسل جوان در این مسیر افزود: در تولید این آثار، تمرکز اصلی خود را بر جوانان قرار دادم، چراکه این قشر باید مفاهیمی همچون ارزش وطن، میهن‌دوستی و ضرورت حفظ استقلال کشور را به‌درستی درک کند. بر همین اساس تلاش کردم با بهره‌گیری از زبان موسیقی مدرن و امروزی، این مفاهیم را به شکلی قابل فهم و اثرگذار به نسل جوان منتقل کنم. او با اشاره به ضرورت خوداتکایی در کشور عنوان کرد: باید به توان داخلی تکیه کنیم و اجازه ندهیم دیگران برای کشور ما تصمیم‌گیری کنند؛ حتی اگر این مسیر با فشارها و محدودیت‌هایی همراه باشد، نتیجه آن ایستادگی و اتکا به ظرفیت‌های بومی خواهد بود. این ترانه‌سرا و آهنگساز در ادامه به جایگاه موسیقی در انتقال مفاهیم ملی پرداخت و گفت: موسیقی سنتی به‌عنوان بخشی از هویت فرهنگی ما، ریشه در زندگی مردم دارد و همواره مورد توجه بوده است. این نوع موسیقی به‌نوعی در بطن جامعه جریان دارد و از کودکی با آن آشنا هستیم. کلاته افزود: در عین حال، برای ارتباط مؤثرتر با نسل‌های جدید، باید از ظرفیت‌های موسیقی پاپ نیز بهره گرفت. در همین راستا، در آلبوم «فرشته‌های میناب» و «اینجا ایران است» تلاش کردیم تلفیقی از موسیقی پاپ و سنتی ارائه دهیم تا هم جوانان و هم مخاطبان علاقه‌مند به موسیقی اصیل ایرانی بتوانند با این آثار ارتباط برقرار کنند. او با بیان اینکه موسیقی پاپ به معنای موسیقی مردمی است، ادامه داد: اگر این سبک با مؤلفه‌های بومی و سنتی به‌درستی ترکیب شود، می‌تواند طیف گسترده‌تری از مخاطبان را جذب کرده و زمینه آشنایی بیشتر مردم با مفاهیم ملی و میهنی را فراهم کند. این ترانه‌سرا خاطرنشان کرد: یکی از راهکارهای اثرگذاری بیشتر، ارائه آثاری است که به‌صورت هم‌زمان برای مخاطبان موسیقی پاپ و سنتی جذاب باشد تا بتوان با یک اثر، سلایق مختلف را پوشش داد.

کلاته در بخش دیگری از سخنان خود درباره خوانندگان این آلبوم اظهار کرد: عمده هنرمندان حاضر در این پروژه از نسل جوان و در بازه سنی حدود ۱۸ تا ۳۵ سال بودند و از سطح کیفی قابل توجهی برخوردار بودند؛ برخی از خوانندگان در میانه مسیر به پروژه اضافه شدند و عملکرد بسیار خوبی داشتند و حتی فراتر از انتظار ظاهر شدند، اما در مقابل، تعدادی از هنرمندان نیز با وجود ظرفیت همکاری، همراهی لازم را نداشتند و از ادامه مسیر کناره‌گیری کردند و به تعبیری توفیق نداشتند که برای وطن اقدامی کنند. او تأکید کرد: با وجود این مسائل، در مجموع سطح کیفی خوانندگان بسیار مطلوب بود و خروجی نهایی آلبوم نیز در سطح قابل قبولی قرار گرفت و می‌توان آن را اثری قابل دفاع در حوزه موسیقی ملی و میهنی دانست.